

۱۵۱۳۷۲۲

کیمیا

شاعر: کیمیا اور زودی



انتشارات بادبان

سرشناسه	: اوزرودی، کیمیا، ۱۳۷۸.
عنوان و نام پدیدآورنده	: کیمیا / شاعر کیمیا اوزرودی
مشخصات ظاهری	: ۶۴ ص؛ ۱۴.۵ × ۲۱.۵ س م.
مشخصات نشر	: تهران: بادبان ۱۳۹۷
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۷۰۰۵-۶۲-۰
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیبا
موضوع	: شعر فارسی -- قرن.
رده‌بندی کنگره	: ۱۳۹۶ و ۳۶ ع ۵ PIR ۸۳۳۴
رده‌بندی دیویدی	: ۸۲۶/۱۵
شماره کتاب‌شناسی ملی	: ۴۷۰۷۸۷۵



انتشارات بادبان

آدرس: خیابان انقلاب - ۱۲ فروردین - پلاک ۳۱۶ - طبقه اول -

تلفن: ۶۶۴۲۹۷۶۱۳ - ۷ - ۶۶۴۸۰۸۸۶ تلفکس: ۶۶۴۹۲۸۷۶

کد پستی: ۱۳۱۴۶ - ۶۵۱۱۱

pub_ordibehesht@yahoo.com

www.ordibeheshtpub.ir

عنوان کتاب: کیمیا

شاعر: کیمیا اوزرودی

مدیر امور فنی: امیر هوشنگ اسکندری

تایپ و صفحه‌آرایی: ارمغان

لیتوگرافی و چاپ: هنر آفاق

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

نوبت چاپ: اول ۱۳۹۷

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۰۰۵-۶۲-۰

قیمت: ۱۰۰۰۰ تومان

حق چاپ برای مولف محفوظ است

مقدمه

سازم که میای عزیز

می دانم تریک بگویم یا تسلیت که هر دو واژه برای کار می کنند. تریک برای جسد و اندیشه‌ات که خودم را در آینده بیست سال پیش می بینم. انگار بوی نه روش می نویسی و من جیوه‌ای که مقابلت ایستادم و جواب به ای بای خودت را جستجو می کنی. دست شعر را گرفته‌ای و مثل کودکی ده نوری عاشقانه بزرگش می کنی. مواظبت باش اما بگذار کودکی کند. محو و دش نکر که رشدش باعث بزرگ شدن جهانیت می شود. بگذار کودکی ببود و شبیه شاعرانی می شوی که چند کتاب چاپیده‌اند و آرزوی شعر دارند. مثل هم شیه خودت باش و بنویس فقط برای خودت، حتی اگر علیه‌ت شد و متهم شدی به چیزی که جرم خودشان است.

تسلیت می گویم برای این که در کشوری متولد شدی که در حال حاضر چند ده میلیون شاعر و هنرمند دارد و هر روز مانیفست‌های ادبی می دهند. تسلیت برای این که پا به صحنه‌ای گذاشتی که سنجش شعر و شعور، دست اشخاصی ست که فرق شعر و معر را نمی فهمند. اگر ببینند شبیه‌شان نمی نویسی محکومت می کنند به چیزهایی که دلت می خواهد سر به بیابان بگذاری یا خودت را پرت کنی وسط دره‌ای که دهان این

کیمیا اوزرودی

جماعت به آن نرسد. قدر واژه‌ها را بدان که ابزار شعرت هستند و مهندسی این ساختمان‌ها دست توست.

غیر از شعر، ناز هیچ جنبنده‌ای را نکش که همه مردنی هستیم و پس از مرگ، شعرها زندگی می‌کنند. شعری ننویس که شبیه آن را نوشته باشند و سوژه‌ای را انتخاب نکن که خلاف هنر و انسانیت باشد. کیمیای عزیمت، نوشتن مسمومت می‌کند و پادزهری جز نوشتن موجود نیست. شاعری، تنها اعتیادی‌ست که ترک نمی‌شود. درون و بیرون را همزمان می‌برد که جهان‌های دیگری بسازی و به شیوه‌ی خودت زندگی کنی. مگر زندگی جز به کردن چه چیز دیگری دارد؟ مگر حال تو را کسی جز شعر می‌فهمد؟

امید فرج الهی

